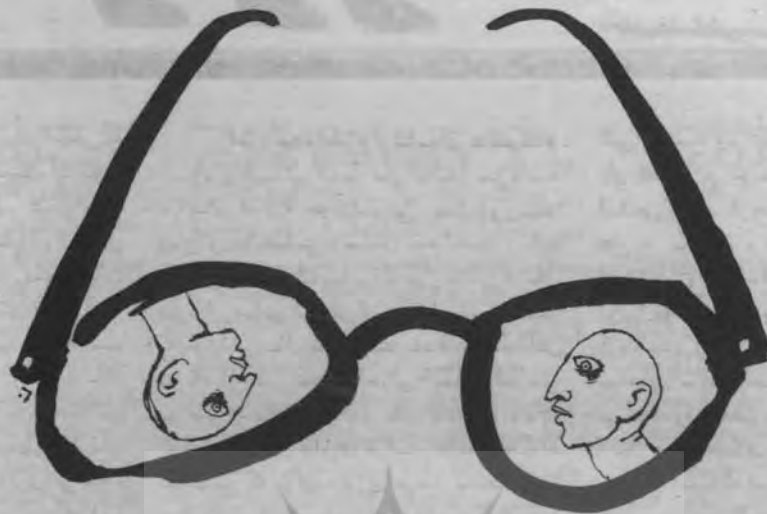


# تعارض در پایگاه اجتماعی تحصیل‌کرده های ایران



بیوک محمدی

به حدی بارز است که اگر آن را بزرگترین تعارض پایگاه اجتماعی موجود در جامعه ایران ندانیم دست‌کم باید یکی از بزرگترین تعارضات به حساب آوریم. از آنجا که درصد بزرگی از تحصیل‌کردگان و متخصصین در ایران به کارهای دولتی مشغولند و درآمد آنان متناسب با میزان تورم افزایش نمی‌یابد، لذا پایگاه اقتصادی آنان در قیاس با بسیاری از قشرهای دیگر تنزل می‌یابد و در نتیجه دچار تعارض شدید پایگاه می‌شوند.

از خصوصیات بازار تنش روانی ناشی از تعارض در پایگاه اجتماعی ایجاد‌انگیزه جهت رهایی از آن تنش (استرس) است. یکی از طرقتی که فرد با توسل بدان سعی می‌کند از استرس رهایی یابد کوشش در بالا بردن مقام و منزلت پایین‌ترین پایگاه اجتماعی‌اش و هم‌سطح کردن آن با پایگاههای بالا یا بالاترین پایگاه اجتماعی‌اش می‌باشد. (۶) از این‌روست که می‌بینیم تحصیل‌کردگان ایران برای رهایی از تعارض در پایگاه اجتماعی‌شان می‌کوشند منبع درآمد دیگری برای خود دست‌وپا کنند تا وضع اقتصادی خود را بهبود بخشند. این است دلیل آنکه می‌بینیم تعداد زیادی از این‌قبیل افراد به شغل‌های کاذب مختلف (از قبیل مسافرکنشی، خرید و فروش سگه و دلار، واسطه‌گری...) که شأن آنها در سطح نازلتری از شأن پایگاه اجتماعی آنان است روی می‌آورند.

مهمترین مباحثی است که در مطالعات مربوط به پایگاه اجتماعی مطرح می‌شود. یک مسئله مهم در مطالعه پایگاه اجتماعی همانا وجود ابهام یا تعارض در آن است. با توجه به این که افراد معمولاً دارای پایگاههای متفاوت‌اند. طبق نظریه "تعارض" چنانچه باورها و رفتارهایی که از دارنده پایگاه انتظار می‌رود با یکدیگر تناسب داشته باشند، اشکالی پیش نمی‌آید. اما اگر از فردی در پایگاههای اجتماعی‌اش تقاضاهای متفاوتی شود یعنی انتظار رفتاری نقشهایی متناقض از او برود، در آن صورت برای فرد صاحب پایگاه تصمیم‌گیری در اینکه باید با اطرافیان چگونه رفتار کند و تشخیص اینکه باید بر چه مناسباتی کنشهای متقابل خود را سامان دهد مشکل می‌گردد. چنین ابهامی منشأ اضطراب و تنش روانی (استرس) است. از جمله واکنشهای طبیعی درقبال استرس و اضطراب این است که فرد سعی می‌کند به نحوی از آن خلاصی یابد. و این تلاش ممکن است به اشکال مختلف، همچون انزواگرایی یا سعی در تغییر بنیادی شرایط ظاهر شود. (۴)

## تحصیل‌کردگان ایران و تعارض در پایگاه

تحصیل‌کردگان ایرانی بیش از هر قشر و گروه دیگری دچار تعارض در پایگاه اجتماعی‌اند. (مسئله آنان تنها قشر درگیر در تعارض نیستند و تعارض آنان نیز تنها تضاد موجود در جامعه نیست. اما تعارض پایگاه اجتماعی روشنفکران

قشر تحصیل‌کرده در ایران که سرمایه‌ای جز اندوخته‌های تحصیلی و حرفه‌ای جز تخصص دانشگاهی ندارد، دچار تعارض خاص روانی و اجتماعی است که در اصطلاح جامعه‌شناسی آن را "تعارض در پایگاه اجتماعی" (۱) می‌نامند. این تعارض دارای پیامدهای مخرب روانی و اجتماعی گوناگون است. درک و شناخت این پدیده و تلاش برای حل آن یک نیاز مبرم اجتماعی است.

پایگاه اجتماعی به موقعیت، سمت، منصب و مقام و موضعی که فرد یا گروهی در جامعه اشغال می‌کند. گفته می‌شود. (۲) هر پایگاه اجتماعی با یک "نقش اجتماعی" مشخص می‌شود. نقش اجتماعی در حقیقت جبهه پویای خرد در نظام اجتماعی است. (۳)

در تحلیل‌های جامعه‌شناختی، هماهنگی نقش و پایگاه و عناصر مختلفی که دارنده پایگاه ملزم به ایفای نقش آنهاست، از اهمیت زیادی برخوردار است. بدین معنی که افراد سعی می‌کنند رفتار و احساساتشان را با نقش اجتماعی خود مطابقت دهند. چرا که عدم انطباق (سازواری) آثار سویی را در پی می‌آورد و دقیقاً همین نکته اخیر اساس "نظریه تعارض در پایگاه اجتماعی" را تشکیل می‌دهد.

## تعارض در پایگاه اجتماعی

نظریه "تعارض در پایگاه اجتماعی"، از

البته آنان ترجیح می‌دادند که برای بهبود وضع مالی خود به مشاغلی که شأن بالاتری دارد دست بزنند. اما چون پول درآوردن کار آسانی نیست ناچار به طور موقت هم که شده به مشاغل سطح پایین (از نظر پایگاه) تن درمی‌دهند. در عمل عده زیادی از آنان در تلاش برای متناسب کردن پایگاه اجتماعی - اقتصادی و حرفه‌ای خود ناکام می‌مانند و اضطراب ناشی از تعارض پایگاه اجتماعی با شدت بیشتر و در ابعاد وسیعتر بر آنها چیره می‌شود. این اضطراب دو دلیل عمده دارد: اولاً دست زدن به کاری که فرد آن را در شأن و منزلت خود نمی‌داند و از نظر اجتماعی نیز چنین پنداشته می‌شود، امری استرس‌زاست. ثانیاً عدم موفقیت نتنها تنش روانی را تشدید می‌کند بلکه "احساس احقاد" را نیز در فرد بیدار می‌کند.

طبق تحلیل طبقاتی جامعه، باید انتظار داشت که احساس احقاد در میان کارگران قوی‌تر از سایر طبقات باشد اما در عمل الزاماً چنین نیست. از این رو شماری از جامعه‌شناسان معتقدند که تحلیل پایگاه اجتماعی در بعضی موارد از تحلیل طبقاتی چنین پدیده‌هایی بهتر و واقع‌بینانه‌تر است. (۷) "اروین گافمن" (۸) در مطالعات خود دریافت که رابطه‌ای بین تعارض پایگاه اجتماعی فرد در زمینه‌های درآمد، تحصیلات، و پرستیژ شغلی، و علاقه به تغییر بنیادی در چگونگی توزیع قدرت وجود دارد و هرچه این تعارض عمیق‌تر باشد به همان اندازه ایمان فرد نسبت به نظام موجود سست‌تر و آرزوی دگرگونی بیشتر است. یعنی آنهایی که تحت فشار روانی ناشی از تعارض پایگاه اجتماعی اند سعی می‌کنند به نحوی این تعارضات را حل کنند، اگر نتوانند وضع خود را بهبود بخشند و پایگاه اجتماعی‌شان را متناسب سازند سعی می‌کنند شرایط موجود و محیط را دگرگون کنند. میل به دگرگونی بنیادی، معمولاً این افراد را به چپ‌گرایی و رادیکالیسم که ناظر به نادیده گرفتن مشروعیت نظام موجود و ایجاد دگرگونی‌های اساسی است می‌کشاند و جای تعجب ندارد که این نگرش - صرفنظر از دقت و محتوای علمی آن - در میان قشرهای تحصیلکرده‌ای که دچار تعارض شدید پایگاهی هستند رواج یابد.

به این عوارض ناشی از تعارض در پایگاه، عارضه روانی دیگری نیز می‌افزاییم و آن انزوایابی و سرگردن در حالت افسردگی مزمن است. واکنش‌های عصبی که هرروز در محل کار و خانه ظاهر می‌شود، حسادت‌ها و رقابت‌های شدید در ادارات برسر منافع جزئی و حتی بدگویی‌ها و سعایت‌ها فقط پاره‌ای از عوارض سوء ناشی از این تعارض بر شخصیت افراد است.

\*\*\*

نمودهای مختلف تعارض در پایگاه اجتماعی تحصیلکردگان را می‌توان در صورت گوناگون هنجارها و ارزشهای اجتماعی مشاهده کرد.

یکی از این صور ظهور هنجارهای اجتماعی متناقض است. مثلاً از یک سو پاره‌ای هنجارها حاکی از "برتری علم بر ثروت" و یا "مترادف شمردن دانایی با توانایی" است و از سوی دیگر بعضی هنجارها "دارندگی را مساوی برابری" می‌داند. شکل دیگری از این تعارض را می‌توان در پیامهای فرهنگی متناقض درباره تحصیلکردگان ملاحظه کرد. مثلاً از طرفی به سبب بالا بودن سطح آگاهی تحصیلکردگان از آنان با تجلیل یاد می‌شود و انتظارات عالی‌تری از آنان می‌رود، و از طرف دیگر تحصیلات و درآمد آنها با شغل‌های پردرآمدی که نیاز چندانی به تحصیلات و تخصص ندارد مقایسه می‌شود که نتیجه آن تحقیر تحصیلکردگان است. این تناقضات در نهایت به شکل تعارض در شخصیت اعضای این قشر متبلور می‌گردد. تعارض در پایگاه اجتماعی تحصیلکردگان یک مسئله اجتماعی است و تعارضات موجود در هنجارها و پیام‌های اجتماعی وابسته بدان نمودهای متفاوتی از یک "تضاد اجتماعی" است.

"سی. رایت، میلر" (۹) جامعه‌شناس آمریکایی در نظریه "بیتش جامعه‌شناختی" خود چنین اظهار می‌دارد که برای درک زندگی یک فرد باید تاریخ عصر فرد را درک کرد. و بالعکس، برای درک عصری که فرد در آن زندگی می‌کند باید تاریخچه زندگی فرد را مطالعه کرد. به بیان دیگر درک یکی بدون دیگری ممکن نیست. بیتش جامعه‌شناختی فرد را قادر می‌سازد تا بتواند ارتباط بین تجربیات شخصی و عصر خود را بفهمد. با این کار فرد می‌تواند امکانات و فرصتهای خود را با آگاهی یافتن از امکانات و فرصتهای افراد هم‌قشر و هم‌پایگاه خود بسنجد. این درجه از آگاهی فرد را قادر می‌سازد فریق بین مشکلات فردی و مسایل اجتماعی را نیز تشخیص دهد. مشکلات فردی منحصر بفرق هستند و تعداد افرادی که بدان دچارند چندان زیاد نیست. مثلاً اگر در جامعه ایران در هر دانشگاهی دو یا سه استاد ناراضی و نوزن وجود می‌داشت یا فقط ۱۵-۱۰ نفر از تحصیلکردگان از وضع بد مالی خود ناله و شکایت می‌کردند، آنوقت می‌توانستیم بگوییم که آن تعداد به دلایلی (مثلاً تبدیلی یا نداشتن صریح هوش بالا...) دارای مشکل تخصصی هستند.

اما وقتی که نزدیک به تمامی استادان، متخصصین و تحصیلکردگان، در نظرخواهیها، مصاحبه‌ها و صحبت‌های روزمره از وضع ناگوارشان می‌نالند و درددل‌هایشان حاکی از احساس احقاد عمیق و محرومیت‌های فراوان است و

درحالی که دست‌اندرکاران در سطوح بالا نیز به وجود این مشکلات معتقدند، می‌توان با قاطعیت عنوان کرد که تعارض پایگاهی قشر مزبور از سنخ مسائل شخصی نیست بلکه یک مفضل اجتماعی به شمار می‌رود. این پدیده حاکی از بحران در نهادهای اجتماعی است. به زبان جامعه‌شناختی آن را "تضاد اجتماعی" می‌نامند.

بسیاری از جامعه‌شناسان بر این عقیده‌اند که در تحلیل‌های جامعه‌شناختی حتی الامکان باید از داورهای ارزشی اجتناب کرد. ما نیز در این مقاله بر آن نیستیم که به نتیجه‌های ارزشی و اخلاقی از این بحث دست یابیم. اما اگر بخواهیم از طرح این مسأله نتیجه‌ای عملی به دست دهیم باید بگوییم که "تضاد اجتماعی" پدیده‌ای است که باید آن را جدی گرفت و در جهت حل آن اقدامات مؤثری به عمل آورد چرا که ادامه این وضع و عوارض ناشی از آن روند تحول مثبت و سازنده جامعه را با موانع بزرگی روبرو خواهد ساخت.

پانوشتها

1. Status in consistency
2. A Dictionary of Modern Sociology "Social Status", ed. Theodorson and Theoderson. Thomas Y. Crowell Co. N.Y. (1969). P 415.
3. Ralph, Linton: The study of Man. Also in Reading in Sociology. ed. E. Aschuler et. al. Thomas Y. Crowell Co. N.Y. (1971) PP. 157-162.
4. Morris Zelditch Jr. "Social Status", International encyclopedia of the Social Sciences. The Free press, N.Y. (1968). vol. 15, PP. 250-256.
5. Gerhard Lenski, quoaded from: Metta Spencer, Foundations of Modern Sociology. Prentice-Hall Inc. Englewood Clifts, N.J. (1976). P. 218.
6. Leonard Reissman, "Social Stratification", in Sociology, ed. by Neil Smelser; Jhon Wiely and sons Inc. N.Y. (1967) P. 256.
7. Ibid
8. Erwin Goffman, Ibid.
9. C. Wright, Mills; Socio- to gical Imagination, Oxford University press, (1959). PP. 3-9.

۱۰. برای نمونه ر.ک. به نوآوران، شماره ۳۴، فروردین ۱۳۶۸، ص ۱.